

ماده ۱۲۱۲ از قانون مدنی نظرباین مطلب و غیررتیدرا بطور مطلق در مداخله امور و حقوق مالی خود منع نموده است و مرجع رسمی را تکلیف کرده که بدر خواست آن ترتیب اثر ندهد.

از ملاحظه مراتب مشروح و دلایل هریک از طرفداران امکان و عدم امکان مطالبه نفقه از طرف زنیکه به ۱۸

سال تمام نرسیده دلایل دسته دوم موجه و ثمره این است پذیرفتن دادخواهی چنین زنی هیچگونه مجوز قانونی نداشته و باصراحت مواد ۱۲۰۹ و ۱۲۱۲ از قانون مدنی وقانون راجع به رشد متعاملین مخالفت تام خواهد داشت و نباید دادخواهی نامبرده باین کیفیت راقبول و رسیدگی نمود.

باین

اسدالله مصباح

گواهی (شهادت)

« دیباچه »

موضوع سخن بحث در پیرامون گواهی و مراد ما در این مبحث تعریف و شرح اقسام و بیان موارد و ذکر شرایط و مواع و نتایج و اثرات گواهی است که فهرست آن طریق زیر و هر قسمت در بخش جدا گانه نگاشته و مورد نظر واقع میشود:

بخش یکم - در تعریف گواهی

بخش دوم - در اقسام گواهی

بخش سوم - در موارد گواهی

بخش چهارم - در شرایط گواهی

بخش پنجم - در مواع گواهی

بخش ششم - در نتایج و اثرات گواهی

بخش یکم

در تعریف گواهی

گواهی یکی از ادله اثبات دعوی و وسیله کشف زوایا و تشخیص حق از ناحق و بیکناه از گناهکار است.

ماده ۱۲۸۵ از قانون مدنی ایران دلایل اثبات دعوی را بقرار ذیل بیان نموده است:

۱- اقرار ۲- اسناد کتبی ۳- گواهی ۴- امارات

۵- قسم

مادر اینجا فقط بشرح گواهی که یکی از اقسام مهم دلایل زبانی (شفاهی) با « اقرار - گواهی - قسم » مورد بحث میباشد اکتفا مینمائیم.

بخش دوم
در اقسام گواهی

گواهی بر دو قسم است:

۱- گواهی کتبی

الف - گواهی اصلی

ب - گواهی فرعی

۲- گواهی زبانی (شفاهی)

الف - گواهی اصلی

ب - گواهی فرعی

بطوریکه ذکر شد هریک از دو قسم گواهی [کتبی -

زبانی] ممکن است بدو شکل صوت گیرد:

الف - گواهی اصلی

ب - گواهی فرعی

الف - گواهی اصلی آنست که بر اثر حضور شخص

گواه در واقعه مورد گواهی و دیدن یا شنیدن یا درک کردن

او بعمل آید بنابراین گواهی شخص کور بیچیزی که علم به

آن از راه گوش حاصل و از دیدن بی نیاز است و یا گواهی

شخصی که در موقع مشاهده واقعه بینا بوده و پس از آن نابینا

شده در صورتیکه حین اداء گواهی علیه بمشهود بحاصل نماید

و بر اثر ثبت باشد قابل ترتیب اثر است - همچنین گواهی شخص

کر در مورد چیزی که علیه بان از راه دیده حاصل میگردد و

نیازی بشنیدن نیست و گواهی شخص لال بطور اشاره قابل قبول

و پذیرفته است.

ب - گواهی فرعی گواهی بگواهی گواه اصل است بدون آنکه گواه فرع شخصاً در واقعه مشهود علیه حاضر و ناظر بوده باشد *

بخش سوم

در موارد گواهی

حقوق اسلامی در موارد بشمار گواهی را پذیرفته و آنرا وسیله اثبات حق و دلیل صحت یا بطلان دعوی شمرده و مستند احکام و منشاء اخبار قرار داده است بطوریکه میتوان گفت در تمام دعای حقوقی و کیفری - مالی و غیره مالی که ناشی از معاملات و تعهدات عقود و ایقاعات دزدی و جنایات - نکاح و طلاق - ارث و وصیت - و دیگر احوال مثل مرگ و ولادت و صغر و کبر و رؤیت هلال و غیره گواهی شاخص حق و باطل و کشف دروغ و راست میباشد *

در حقوق فرانسه گذشته از اینکه گواهی در موارد کیفری پذیرفته شده در احوال شخصی - ازدواج - طلاق و تمام تعهداتی که موضوع آن بیش از ۵۰۰ فرانک نباشد و همچنین در تمام مواردی که گواهی برای تقویت یا تکمیل دلیل اقامه شود قابل قبول و وسیله اثبات بشمار میرود حد نصاب قبول گواهی در مورد تعهدات مزبور از آغاز وضع قانون مدنی فرانسه تا ماه آوریل ۱۹۲۸ برابر یکصد ریپنجاه بوده و از تاریخ اخیر قانونگذار این مبلغ را به ۵۰۰ فرانک ترقی داده است *

در قوانین امروزی ایران موارد گواهی معدود و دلیلیت آن محدود و منحصر بمواردی است که بموجب مقررات قانونی پیش بینی شده باشد *

ما بمظور تهیل بیان و ترتیب اسلوبی آنان از لحاظ نوع موارد گواهی را بدو نوع تقسیم و بشرح زیر به بیان آن میپردازیم :

۱- موارد حقوقی

۲- موارد کیفری

۱- مورد حقوقی

الف - در موردی که گواهی در مقام اثبات قابل

قبول است .

ب - در مواردی که گواهی در مقام اثبات قابل قبول است .

الف - در مواردیکه گواهی در مقام اثبات قابل قبول است

۱- در مورد همه عقود و ایقاعات و تعهداتی که موضوع آن عیناً یا قیمتاً بیش از ۵۰۰ ریال نباشد جز در مواردیکه قانون استثناء کرده باشد (ماده ۱۳۰۶ قانون مدنی)

۲- در مورد دعوی وفاء به عهد و برائت نسبت بتعهداتی که موضوع عیناً یا قیمتاً بیش از ۵۰۰ ریال نباشد (ماده ۱۳۰۶ قانون مدنی)

همانطور که در غیر موارد استثنائی وقوع عقد یا ایقاع و تعهدی را نمیتوان بگواهی ثابت کرد کسیختن آن نیز بگواهی قابل اثبات نیست *

۳- در مواردیکه اقامه گواه برای تقویت یا تکمیل دلیل باشد مثل اینکه دلیلی بر اصل دعوی موجود بوده ولی مقدار یا مبلغ مجهول باشد و گواهی بر تعیین مقدار یا مبلغ اقامه گردد .

۴- در موردیکه بواسطه حادثه گرفتن سند ممکن نیست از قبیل آتش گیری - سیل - زلزله - غرق کشتی که کسی مال خود را بدیگری سپرده و تحصیل سند برای صاحب مال در موقع ممکن نباشد *

۵- در مورد همه تعهداتی که عادة تحصیل سند معمول نمیشد مانند اموالی که مردمان در مهمان خانه ها و قهوه خانه ها و کاروانسراها و نمایشگاهها میسپارند و مانند کار مزد یزنک و ماما همچنین اجام تعهداتی که برای آن عادة تحصیل سند معمول نیست مثل کارهاییکه بمقاطع و نحو آن تعهد شده اگر چه اصل تعهد بموجب سند نباشد *

۶- در صورتیکه سند بواسطه حوادث غیر منتظره گم شده و یا از بین رفته باشد *

۷- در موارد ضمان قهری و کارهای دیگری که داخل در عقود و ایقاعات نباشد .

تصدیق انحصار وراثت

۱۱- در مورد اثبات احوال شخصیه و حدوث رقابعت چهار کانه « ولادت - ازدواج - طلاق - مرگ » چنانچه برای ثبت هویت و همچنین ثبت وقایع اقامه دو گواه لازم است که در مورد ازدواج و طلاق بهویت و در مورد تولد و مرگ بصحت کفقتار اظهارکننده گواهی میدهند « ماده ۶ آئین نامه قانون ثبت احوال »

با کسانی که تابعیت آنها روشن نیست با مراجعه بکمسیون مربوطه و اخذ گواهی مخصوص « در صورت عدم احراز تابعیت خارجی » و ارائه آن و اقامه دو گواه بنمایند ثبت احوال میتواند برگ شناسنامه دریافت نمایند « بند یکم از ماده ۶ و ۱۰ آئین نامه قانون ثبت احوال »

همچنانکه ثبت واقعه مرگ با ارائه گواهی پزشکی یا غسل با حضور دو نفر گواه بعمل میاید [ماده ۷۵ آئین نامه مزبور]

و همچنین ثبت مرگ کسانی که در بنگاه های مختلفه میمیرند در صورتیکه اظهارکننده قانونی نداشته باشند باظهار رئیس بنگاه یا نماینده او با حضور دو نفر گواه بعمل میاید « ماده ۸۳ آئین نامه قانون ثبت احوال »

و در موارد ازدواج و طلاق زوجین باید در ظرف ده روز از تاریخ وقوع ازدواج و طلاق مراتب را بنمایند ثبت مربوطه اطلاع دهند و مأمور ثبت پس از مراجعه بقباله نکاح با اطلاقنامه در حضور گواه و اظهارکنندگان « زن و شوهر » مراتب را در جدول مخصوص درج و با امضاء میرساند « ماده ۹۸ آئین نامه قانون ثبت احوال »

و در مورد ثبت واقعه طلاق طرفین یا هر يك انتهائی میتوانند با حضور دو تن گواه و ارائه طلاقنامه واقعه را ثبت برسانند « ماده ۲۰ آئین نامه قانون ثبت احوال »

۱۲- در موارد اخطار و احضار و ابلاغ « رجوع شود باصول دادرسی حقوقی ماده ۳۱ و مواد مربوطه با ابلاغ » همچنینکه در مورد وصول درآمد شهرداری هرگاه پرداخت کننده از قبول اخطاریه امتناع نماید مأمور ابلاغ با حضور

۸- وصیت در موارد فوق العاده از قبیل جنگ و بیماریهای همه گیر و مسافرت در دریا که مرادده نوعا مقطوع و باینجهت موصی نمیتواند بطور (رسمی - خود نوشت - سری) وصیت کند ممکن است بطریق زیر گواهی واقع شود: الف- افراد و افسران نظامی یا کسی که در ارتش اشتغال بکار دارند میتوانند نزد يك نفر افسر یا هم ردیف با حضور دو گواه وصیت خود را زبانی (شفاهی) اظهار نمایند ب- در صورتیکه نظامی یا کسیکه در ارتش اشتغال بکاری دارد بیمار یا مجروح باشد ممکن است وصیت خود را در حضور رئیس بهداری ارتش و مدیر بیمارستان که موصی آنجا است اظهار نمایند

شرط لازم و کافی برای امکان تحقق موارد « الف » و « ب » مذکور در بالا نیز تصریح شده قطع مرادده با خارج است : (ماده ۱۱ قانون طرز تنظیم وصیت نامه)

۹- در سایر موارد مذکور در شماره هشتم نیز وصیت بگواهی واقع میشود مشروط بر اینکه :

نخست - موصی وصیت خود را در حضور دو گواه اظهار نماید .

دوم - یکی از دو گواه اظهارات موصی را با تعیین تاریخ روز، ماه، سال و محل وقوع وصیت بنویسد .

سوم - موصی و گواهان آن را امضاء نمایند و در صورتیکه موصی نتواند امضاء کند گواهان این نکته را در وصیت نامه قید کنند .

باید دانست که اعتبار قانونی وصیتی که در موارد عادی (مواد ۸۵ و ۹۰) واقع میشود محدود بگذشتن یکماه از تاریخ مراجعت و رسیدن موصی است بهحلی که بتواند بیکی از طرق وصیت نامه (رسمی - خود نوشت - سری) وصیت کند یا بگذشتن یکماه از تاریخ باز شدن راه و مرتفع شدن مانعی که بواسطه آن موصی نتوانسته است بیکی از طرق مذکور وصیت نماید مشروط بر اینکه موصی در مدت مزبور متمکن از وصیت باشد (ماده ۱۵ قانون طرز تنظیم وصیت نامه)

۱۰- در مورد اثبات انحصار وراثت « مواد ۳۳ و ۳۴ قانون

۴- در مورد پرداخت مالیات برارث، وودی به چوجه نمیتواند برای اثبات بدهی های مورث خود بگواهی گواهان و یا گواهینامه کتبی ستانکار استناد نماید «ماده ۱۰ آئین نامه قانون مالیات برارث»

۲- موارد کیفری

گواهی در موارد کیفری یکی از اسباب تعقیب جرم و از ادله اثبات و بهترین وسیله کشف بزه بشمار میرود چنانچه ماده ۴۰ اصول دادرسی کیفری در عداد ادله بزه استعمال از مطلعین و گواهان را در نخستین ردیف اقسام دلائل ذکر نموده است.

و ضمن بیان ترتیب رسیدگی دادگاه بخش قانونگذار گواهی گواهان را از جمله دلائل و مقدم بر همه شمرده و گفته است دادگاه پس از اظهار مطلب و اقامه دعوی خواهان «مدعی» متهم میپرسد که خود را مقصر میدانند یا نه؟ هرگاه متهم ساکت شد یا انکار کرد شروع شنیدن گواهی گواهان و دلائل طرفین نموده و رسیدگی میکند «ماده ۲۴۳ اصول دادرسی کیفری»

و در قانون نامبرده مصرح است هرگاه کسی اعلام نماید که خود گواه وقوع جنحه یا جنایتی بوده این اظهار برای شروع تحقیقات کافی است و لوائیکه باز پرس دلائل دیگر برای اجرای تحقیقات نداشته باشد «ماده ۶۱»

اثبات بزها و بزه در مورد جنحه رافزش «خلاف» برعکس آنچه در موارد حقوقی بیان شد در همه موارد بوسیله گواهی و اظهار مطلعین ممکن است حاصل شود و گواهی در اینموارد تا عدم ثبوت خلاف آن معتبر و مناط حکم خواهد بود «مواد ۳۲۳ و ۳۲۴ اصول دادرسی کیفری»

حکم مورد مذکور در موقعیکه امر کیفری موجب ادعای حقوقی و موجود زبان مالی بیش از حد نصاب «۵۰۰ ریال» معینه در قانون و مقررات راجعه بگواهی نیز شده باشد جاری است چه مقررات مزبور مربوط بامور حقوقی است و قابل تسریه باینموارد نبوده و ابتدائاً نسخ مقررات راجعه بدادرسی کیفری نیست «مفاد بخشنامه شماره ۱۸۴۹ ن ۲۴۷۷ مورخه ۳۰-۱-۱۳۱۷»

دو تن گواه استتکاف او را در زیر اخطار به نوشته و باامضاء گواهان نیز میرساند (ماده ۴ آئین نامه طرز وصول عوارض شهرداری و جرائم مستتکفین از پرداخت عوارض نامبرده)

در مورد بازداشت (توقیف) اموال بدهکار صورت ریز اشیاء علاوه بر امضاء مأمور وصول درآمد شهرداری باامضاء بدهکار یا نماینده پارک و گواهان حاضر نیز میرسد و هرگاه امتناع از امضاء نمایند مراتب در صورت جنسه قید می گردد (ماده ۱۵ آئین نامه طرز وصول عوارض شهرداری)

و همچنین در مورد اجرای احکام دادگاههای ارث در صورت عدم دسترسی بشخص یا کسان ابلاغ شونده برگ اجرائی بمحل اقامت محکوم ابلاغ و مراتب با حضور یا سببان یا یک تن گواه و ذکر هویت کامل او در نسخه دیگر قید میشود (ماده ۵ آئین نامه اجرای دادگاههای ارث)

و در مورد اجرای مقررات قانون تعدیل مال الاجاره نیز طرز ابلاغ اظهار نامه یا اعتراض نامه و ابلاغ آراء هیئت حل اختلاف مطابق قواعدی خواهد بود که برای ابلاغ و سایر برگها در اصول دادرسی حقوقی مقرر است (ماده ۲۷ قانون تعدیل مال الاجاره)

ب- در مواردی که گواهی قابل قبول نیست

۱- در مورد دعوی سقوط حق از قبیل پرداخت بدهی اقله - کسبختن «فسخ» اراء و مانند اینها در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در دادگاه محرز شده ولو آنکه موضوع سند کمتر از ۵۰۰ ریال باشد (ماده ۱۳۰۸ قانون مدنی)

۲- در مورد دعوی مخالف باامضاء یا مندرجات سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در دادگاه محرز شده باشد «ماده ۱۳۰۹»

۳- در مورد عقود و ایقاعات و تعهداتی که موضوع آن بیش از ۵۰۰ ریال بوده و شخص خواهان «مدعی» دعوی خود را به ۵۰۰ ریال تقلیل داده و یا از مازاد آن چشم پیوشد «ماده ۱۳۱۰ قانون مدنی»

گواهی در موارد کیفری بیشتر جنبه الزامی داشته و حال آنکه در موارد حقوقی این چگونگی در باره گواه مشهود نمیباشد و این الزام در حقوق اسلام ناشی از وجوب اداء گواهی است به ضمون آیه شریفه ولانکتّموا الشّهادة در حال استعلام از گواه. و او در موردیکه گواهی بر علیه گواه باید و مادر و بستگان او باشد.

امتناع از گواهی در صورت نمکن گواه در حالی که دلیل منحصر بگواهی بوده و اثبات حق بوسیله گواهی محقق گردد و یا کتمان آن در باره کسی که شخص گواه علم بحقیقت او دارد در صورتیکه منشاء ضرر باشد بدلیل قاعده نفی ضرر جایز نیست

در حقوق ایران روح و مفاد قوانین کیفری ظاهر در این معنی و واجد همین چگونگی است چنانچه مبحث ششم از فصل پنجم از باب یکم اصول دادرسی کیفری الزام بگواهی را بموجب احضار و جلب گواه در صورت امتناع از حضور و نداشتن عذر موجه بیان نموده و ماده ۱۵۱ همان قانون میگوید هر یک از گواهان تحقیق و مطلعین در روز موعود باید حاضر شوند در صورتیکه باختیار حاضر نشوند بر حسب رأی دادستان باز پرس می تواند آنان را جلب نماید.

همچنین ماده ۲۲۵ قانون مزبور مقرر است باینکه هرگاه گواهان بدون عذر موجه در روز مقرر حاضر نشوند و محل اقامت آنان در جائی است که بیش از دو فرسخ از دادگاه بخش مسافت ندارد بحکم دادگاه جلب خواهند شد. استثنائی که باین اصل وارد آمده آن است که زوج یا زوجة منہم یا متهمه و همچنین اسلاف و اعقاب و برادر و خواهر او میتوانند از اداء گواهی امتناع نمایند اگر امتناع نکردند بدون التزام گواهی آنان شنیده میشود و در غیر مورد استثنائی مزبور نیز گواهی اشخاص نامبرده زیر بدون خواستن التزام شنیده می شود.

۱- کسانی که بحد بلوغ رسیده اند.

۲- اشخاص نامبرده زیر در صورتیکه یکی از طرفین آنانرا و زده (رد کرده) باشد.

الف - کسانی که بواسطه ارتکاب به جنایات محکوم بکیفر شده اند.

ب - زوج یا زوجة خواهان ' مدعی ' خصوصی و اسلاف و اعقاب یا برادران و خواهرن و سایر خویشان او یا درجه سوم.

ج - کسانی که قیم یا ولی یا مباشر کار های یکی از طرفین هستند یا با یکی از طرفین محاکمه دارند «ماده ۲۴۶ اصول دادرسی کیفری»

باستثنای موارد نامبرده بالا گواهان باید پیش از دادن گواهی التزام دهند که بدرستی و راستی اداء گواهی خواهند کرد.

جهات زیر عذر موجه شمرده میشود :

۱- نرسیدن احضارنامه یا دبر رسیدن آن قسمی که مانع از حضور در وقت مقرر شود.

۲- بیماری که مانع از حرکت باشد.

۳- مرگ پدر یا مادر یا زوج یا زوجة یا فرزندان و یا بیماری سخت یکی از اشخاص نامبرده.

۴- ابتلای بزرگی مانند آتش گیری و نحو آن

۵- عدم امکان مراد بواسطه بلیات آسمانی مانند بیماریهای همه گیر و با - طاعون و غیره « یا سرکشی رودخانه و امثال آن

۶- در بازداشت « توقیف » یا زندانی بودن

در موارد اخطار یا احضار یا ابلاغ نیز مانند موارد حقوقی گواهی در مواقع ریثه شرط اثبات تحقق امر و دلیل وقوع آن است چنانکه هرگاه احضار شده سواد نداشته باشد مضمون احضارنامه در حضور و نفر گواه تحقیق ابلاغ میشود «ماده ۱۱۰ اصول دادرسی کیفری»

معاینات و رسیدگی های محلی نیز در حضور دو تن گواه و کسانی که در امر کیفری شرکت داشته و حاضر شده اند بعمل میآید.

جنس و قرابت یعنی زن یا مرد بودن و خویش یابیکاه بودن گواه فرقی بین آنان موجود نمیباشد (ماده ۳۷ قانون مدنی فرانسه) و حال آنکه در قانون پیشین علاوه بر شرط سن جنس گواه نیز قید شده و گواهی زنان مسموع نبوده است .

این تعمیم و تجویز گواهی زنان در بیشتر قوانین موجود بوده چنانچه قوانین اسلامی اگر چه اصل کلیتاً گواهی دو تن مرد عادل دانسته باین وصف گواهی زنان را در حالی که با گواهی مردان همراه باشد تجویز کرده و در موارد نکاح وارث (مانند گواهی قابله نسبت بمیراث) و دین و بعضی موارد دیگر گواهی زنان را قبول نموده و برعکس درباره موارد مانند رؤیت هلال - طلاق - قتل گواهی آنان را واژده است .

در حقوق ایران از این حیث اختلافی مشهود نبوده و نصی ملحوظ نمی باشد چه مقررات قانون ثبت احوال و مواد راجع بگواهی در مورد احوال شخصیه صراحت به جواز و عدم منع گواهی زنان داشته و مصرح است که قبول گواهی زنان مانعی ندارد (دنباله ماده ۶ آئین نامه قانون ثبت احوال)

و در مورد شرط بلوغ قانون مدنی گواهی کودکان را که بسن ۱۵ سال تمام نرسیده اند از عداد ادله خارج و فقط برای مزید اطلاع قابل استماع دانسته است مگر در مواردی که قانون گواهی این قبیل کودکان را معتبر شناخته باشد (ماده ۱۳۱۴)

و قانون ثبت احوال مشعر است باینکه سن گواه نباید از هیجده سال کمتر باشد (ماده ۶ آئین نامه قانون ثبت احوال) ما از بیان تفصیلی و شرح کلی شرایط گواهی در قوانین فرانسه و اسلام که ملازم دور افتادن از موضوع بحث و قطع رشته سخن میباشد خود داری نموده باینجا و اختصار پرداخته کلیات این بخش را در اینجا پایان رسانیده و شرایط گواهی را در حقوق ایران شرح میدهم .

در مبحث چهارم از فصل هفتم آئین نامه قانون ثبت املاک راجع بمعاینه محلی و عقیده کارشناس نیز باین نکته اشاره شده است که معاینه در حضور محقق ثبت و متداعیین و لااقل دو تن گواه طرف اعتماد که کتباً یا زبانی احضار شده باشند بعمل میآید (ماده ۱۴۷) . قانون دادرسی ارتش حکم الزام بگواهی را صریحاً بیان نموده و میگوید هر کسی که برای اداء گواهی احضار میشود ملزم بحضور و اداء گواهی است (ماده ۹۹)

بخش چهارم

در شرایط گواهی

۱ - در کلیات

در حقوق اسلام شرط قبول گواهی وجود صفات شش گانه در شخص گواه میباشد و بدون یکی از شرایط زیر گواهی قابل قبول نخواهد بود :

- ۱ - بلوغ یعنی گواه بالغ باشد .
 - ۲ - شخص گواه بکمال عقل رسیده باشد .
 - ۳ - شخص گواه دارای کیش اسلام باشد .
 - ۴ - شخص گواه عادل باشد .
 - ۵ - شخص گواه در مظان تهمت نباشد .
 - ۶ - شخص گواه حلالزاده باشد .
- باید دانست که بلوغ بنحو اطلاق همه مورد در قوانین اسلامی شرط نبوده و در باره از موارد گواهی شخص نابالغ و کودک ممیز و قنیکه بسن ده سال رسیده باشد قابل قبول و بمعقیده برخی در غیر مورد جنایات مثلاً در جرح و ضرب گواهی کودک بسن کمتر از ده سال نیز مسموع بوده و بنابه عقیده دیگر در مورد قتل نیز پذیرفته خواهد بود و در صورتی که شخص نابالغ در موضوع واحدی بیش از یکبار گواهی داده و در مفاد آنها اختلاف حاصل شود نخستین اظهار محمول بر صحت و دلائل محسوب میباشد .

در حقوق فرانسه شرط گواهی در احوال شخصیه داشتن لا اقل ۲۱ سال سن گواه است لیکن از حیث

۲ - شرایط گواهی در حقوق ایران

گواهی هنگامی قابل قبول و مؤثر واقع خواهد شد که شرایط زیر را در بر داشته باشد:

۱ - گواهی باید از روی قطع و یقین باشد نه بطور شك و تردید (ماده ۱۳۱۵ قانون مدنی)

۲ - گواهی باید مطابق با دعوی باشد ولی مخالفت در لفظ در صورت توافق در معنی بـا گواهی بکمتر از ادعا ضرری ندارد.

۳ - گواهی گواهان باید مفاداً یکی باشد بنابر این اگر گواهی گواهان مختلف باشد قابل اثر نخواهد بود مگر در صورتیکه از مفاد اظهارات آنها قدر متیقنی بدست آید (ماده ۱۳۱۷ قانون مدنی)

لیکن اختلاف گواهان در خصوصیات امر اگر موجب اختلاف در موضوع گواهی نباشد اشکالی ندارد.

۴ - گواهی باید یابدار و مطابق واقع باشد چه در صورتیکه گواه از گواهی خود رجوع کند یا معلوم شود بر خلاف واقع گواهی داده است بگواهی او ترتیب اثر داده نمیشود.

۵ - گواهی بر گواهی (گواهی فرعی) در صورتی مسموع است که گواه اصل مرده باشد یا بواسطه مانع دیگری مانند بیماری و سفر و زندانی بودن و غیره نتواند حاضر شود (ماده ۱۳۲۰ قانون مدنی)

از بیان شرط پنجم چنین استنباط میشود که شرط قبول گواهی فرعی تعذر حضور گواه اصلی است بعلل نامبرده بالا و در این مورد ممکن است تصور شود زمانیکه گواه فرعی گواهی بر گواهی اصل داده و گواه اصل پس از زوال عذر حضور (غیر از مورد مرك) حاضر و موضوع گواهی را انکار نماید و در اینصورت میخواهیم بدانیم گواهی کدام آنان معتبر خواهد بود؟

این پرسش پاسخی چند در بر دارد و در این فرض

عقیده های بیشمار موجود است که به شرح زیر بیان می شود:

نخستین عقیده

چون شرط قبول گواهی فرعی تعذر حضور گواه اصل میباشد و با زوال عذر شرط مزبور منتفی است دیگر موجبی برای قبول گواهی فرعی در بین نخواهد بود و در این صورت با تمکن از گواهی اصلی نیازی بگواهی فرعی نبوده و اصل بی نیاز کننده فرعی شمرده میشود و بدلیل حضور گواه اصل گواهی فرعی قابل قبول و پذیرفته نیست.

دومین عقیده

نظر باینکه شرط قبول گواهی فرعی تعذر حضور گواه اصل است و با حصول این شرط گواهی فرعی مقبول و مسموع واقع خواهد شد بنابر این پس از قبول گواهی فرعی زوال عذر موجب انتفاء شرط نبوده و حضور گواه اصل دلیل وازدن گواهی فرعی نخواهد گردید.

سومین عقیده

از آنجا که قبول گواهی فرعی در زمان تعذر حضور گواه اصل و قبول گواهی اصلی پس از زوال عذر حضور مانعی نداشته و در حال اداء گواهی دلیلیت هر دو ثابت است اقوی دلیل گواهی شخص گواهی است که جامع اوصاف و واجد همه شرایط بوده باشد.

باین نظر اساساً ایرادی وارد و آن است که در صورت یکسان بودن همه شرایط در گواهان و تساوی آنان از همه حیث وجه راجحی بر هیچیک تصور نخواهد بود.

چهارمین عقیده

در صورتیکه گواه اصل پس از رفع مانع و زوال عذر حضور گواهی فرعی را انکار کند خواه گواه اصل معتقد به وقوع یا عدم وقوع واقعه مشهود علیه بوده باشد و یا منکر اداء گواهی اصلی خود گردد هر چند واقعه را راست بداند چون گواهی فرعی مبتنی بر گواهی اصل است وار گواهی نداده و خواهان (مدعی) کذب گواهی فرعی میباشد و این

در حقیقت گواهی است که گواه اصل در این واقعه بیان نموده از این رو گواهی فرع ساقط و گواهی اصل مقبول است .

پنجمین عقیده

در موردی که گواه فرع گواهی بر گواهی اصل بدهد و گواه اصل منکر اداء گواهی خود باشد برای قبول گواهی فرع میتوان چنین استدلال کرد که مبنای وازدن (رد) گواهی فرع بر این بود که خود بر وقوع امر واقف نبوده و واقعه را مشاهده نکرده باشد و حال آنکه در این مورد گواه فرع خواهان (مدعی) دیدن گواه اصل و شنیدن گواهی او است در این صورت گواه فرع نیز بنوبه خود گواه اصل شمرده شده و گواهی او قابل قبول است .

ششمین عقیده

نویسنده را عقیده آن است که مبنای قبول گواهی بر گواهی وصف موافقت مفاد آن دو گواهی است نه مخالفت آنها یا انکار گواه زیرا منشاء وازدن یا قبول کردن گواهی یکی همان منشاء قبول یا عدم قبول گواهی دیگری است و مراد از اشتراط تعذر حضور گواه اصل در مورد قبول گواهی فرعی موافقت دو گواه و مطابقت مفاد گواهی آنان میباشد و در اینصورت با حصر آنها و تصریح ماده ۱۳۱۷ قانون مدنی در تأیید این عقیده باینکه گواهی گواهان باید مفاداً یکی باشد بنا بر این اگر گواهان باختلاف گواهی دهند قابل اثر نخواهد بود مگر در صورتی که از مفاد اظهارات آنان قدر متیقنی بدست آید و گرنه گواهی آنها مقبول واقع نخواهد شد.

بخش پنجم

در موانع گواهی

موانع گواهی حالات و صفاتی است که وجود آن ها در شخص گواه موهوم سلب اعتبار و موجب ضعف اظهار و باعث زوال اعتماد و تزلزل صدق گفتار او میباشد . موانع گواهی بموجب مقررات قانون مدنی ایران به

قرار زیر و گواهی اشخاص مفصله پذیرفته نمیشود :

- ۱ - محکومین بکیفر جنائی .
- ۲ - محکومین بامر جنحه که دادگاه در حکم خود آنها را از حق گواهی دادن در دادگاه ها محروم کرده باشد .
- ۳ - اشخاص را نکرد و کسانی که تکدی راپیشه خود قرار دهند .
- ۴ - اشخاص معروف بفساد اخلاق
- ۵ - کسیکه نفع شخصی در دعوی داشته باشد .
- بدیهی است که مراد از نفع شخصی اعم از جر منفعت است یا دفع زیان .
- ۶ - گواهی دیوانه در حال دیوانگی که شامل حالات مختلفیه زیر است :
 - الف - گواهی دیوانه مطلق در هر هنگام .
 - ب - گواهی دیوانه ادواری (منظم - غیر منظم) در زمان بروز دیوانگی .
 - ج - گواهی دیوانه اتفاقی در حال دیوانگی .
- ۷ - گواهی کودکی که بسن پانزده سال تمام نرسیده است .
- قانون مدنی گواهی این قبیل کودکان را که بسن پانزده سال تمام نرسیده اند فقط برای مزید اطلاع قابل استماع دانسته مگر در مواردی که قانون گواهی آنها را معتبر شناخته باشد .
- در ردیف موانع نامبرده بالا میتوان مراتب زیر را اضافه نموده و از آن قبیل شمرد .
- ۸ - گواهی و کید طرفی نسبت به اقرار موکل خودش .
- ۹ - گواهی مرتبه سوم مانسند گواهی فرعی بر گواهی فرع .
- ۱۰ - وقتی که گواه بیش از حکم از گواهی خود رجوع کند .
- ۱۱ - هنگامیکه کذب گواهی پیش از پایان دعوی معلوم شود .

بخش ششم

نتایج و اثرات گواهی

گواهی در هر مورد (حقوقی - کیفری و غیره) و در هر مقام (دلیلیت - مزید اطلاع) خواه مؤثر واقع شده و یا مؤثر نباشد گذشته از اثرات خارجی که ممکن است موجب اثبات حق یا بطلان دعوی و احراز وقوع امر یا عدم وقوع آن باشد نسبت بشخص گواه نیز مترتب آتاری خواهد شد که بر حسب ماهیت گواهی و صفت دروغ یا راست آن نتیجه خوب یا بد حاصل نموده و متوجه شخص گواه میسازد

برای آگاه ساختن گواه بنتایج حاصله از گواهی و تنبیه او بهواقب وخیم آن در صورت اظهارخلاف حقیقت و ابراز نادرستی در گواهی قانون مراجع رسیدگی را از يك طرف مکلف ساخته است که گواهان را در حال اداء گواهی ملتزم و متعهد نمایند که جز بر راستی و درستی گواهی ندهند و گواهان نیز مکلف میباشند تعهد و التزام میبرده که برخلاف حقیقت اظهاری ننموده و بصحت و راستی گواهی دهند

گواهی دروغ و خلاف واقع در هر مورد از بزهت بشمار میآید و مقررات کیفری و قانون کیفر همگانی موارد آنرا بیش بینی نموده و کیفر قانونی آنرا تعیین کرده است و علاوه بر تعیین کیفر درباره گواه دروغگو در صورتیکه از گواهی دروغ او زبانی نیز حاصل شده باشد موجب محکومیت گواه بپرداخت آن زیان و الغاء اثرات گواهی صحیح خواهد شد

چنانچه ماده ۲۲۸ اصول دادرسی کیفری در بیان اینمورد میگوید هر گاه دادگاه از گواهان و ارباب اطلاع کسب اطلاع نماید و سپس معلوم شود که خلاف واقع گفته اند اعم از این که بر نفع یا زیان یکی از طرفین دعوی باشد:

نخست - اگر گواهی ساختگی آنان موجب زبانی شده محکوم بپرداخت آن خواهند بود.

دوم - در هر حال کذب گواهی آنان با کاهی در

دادگستری و روزنامه ها نشر خواهد شد و هرگاه التزام داده باشند که بر راستی اداء گواهی نمایند بحکم دادگاه صلاحیتدار بکیفر قانونی محکوم میشوند

و بیان تبصره ماده ۸۱ آئین نامه قانون ثبت احوال حاکی است که هرگاه در نتیجه رسیدگی معلوم شود که اظهار کننده و گواهان برخلاف واقع اظهاراتی کرده اند نماینده یا بازرس مراتب را بتوسط دفتر ثبت احوال بیار که محل اطلاع خواهد داد تا مرتکبین خلاف را از راه قانونی تعقیب و درخواست ابطال سند ... را از دادگاه های صالحه بنمایند

و در ماده ۳۹۶ اصول دادرسی کیفری مصرح است که هرگاه یکی از گواهان برخلاف واقع گواهی داد پس از ثبوت رئیس دادگاه بدرخواست دادستان باخواهان خصوصی یا و قتم امر ببازداشت او مینماید پس از آن خود رئیس یا یکی از معاونین او باز پرسی های نخستین لازم را در حق او بعمل آورده نتیجه بازپرسی را با آن شخص بداد گاهی که صلاحیت دارد میفرستد

همین حکم نیز بموجب مقررات قانون دادرسی ارتش ضمن بیان ماده ۱۲۳ اشعار گردیده که چنانچه پس از دادرسی معلوم شود که اظهارات یکی از گواهان برخلاف واقع بوده است رئیس دادرسی ارتش میتواند بنابر تقاضای دادستان یا متهم و حتی رأساً امر ببازداشت فوری گواه نماید و اگر گواه دروغگو تابع دادگاههای ارتش باشد رئیس بانخصاً یا بوسیله یکی از دادرسان شروع ببازپرسی مینماید پس از پایان بازپرسی مقدماتی پرونده آن برای فرمانده بخش مربوطه فرستاده میشود

چنانچه گواه نامبرده تابع دادگاههای ارتش نباشد رئیس پس از تهیه صورت جلسه لای الاقتضاء مشارالیه را بصورت جلسه پیش نزدیک ترین دادستان داد گستری گسیل میدارد

در مورد حقوقی نیز کذب گواهی موجب بزهکاری گواه و مستوجب کیفر قانونی او خواهد بود بطوریکه ماده ۱۰

۳- در کارهای خلافی (لغزش)

کسیکه در کارهای لغزش (خلافی) گواهی دروغ بدهد بهشت روز تا یکماه زندانی تأدیبی محکوم میشود و اگر در ازاء گواهی مرتبر وجه یا مالی گرفته یا هدیه قبول کرده باشد علاوه بر استرداد و بایگانی آنچه که گرفته است بحد اکثر کیفر محکوم میشود.

۴- در کارهای حقوقی

هر کس اعم از گواهان و مطلعین و ممیزین و کارشناسان در کارهای حقوقی گواهی دروغ بدهد یا عامداً و برخلاف واقع اظهار عقیده کند که در حکم دادگاه مؤثر گردد خواه کتبی باشد خواه زبانی بزندان تأدیبی از هشت روز تا یک سال محکوم میشود و اگر در ازاء گواهی دروغ یا اظهار عقیده برخلاف واقع پول یا مالی گرفته باشد علاوه بر کیفر بالا به پرداخت دو برابر آنچه که گرفته است محکوم میشود.

۵- در کارهای اداری

هر کس در کارهای اداری گواهی دروغ بدهد و بگواهی مزبور اثری مترتب شود بهشت روز تا شش ماه زندانی تأدیبی محکوم خواهد شد.

در مورد کسانی که برای تثبیت تکفل اشخاص راجع بخدمت نظام وظیفه گواهی دروغ داده باشند ماده ۱۶۱ قانون مزبور کیفری برابر یک تا دو ماه زندانی قابل خرید تعیین نموده است.

و هر کسی عامداً در نزد مأمورین ذی مدخل برای تحصیل گذرنامه و یا پروانه اقامت و یا پروانه عبور گواهی دروغ داده و اظهارات خلاف واقع نماید یا موضوعاتی را که در تشخیص تابعیت مؤثر است کتمان نماید و یا گذرنامه و یا پروانه اقامت و یا پروانه عبور و یا برگ شناسنامه را که بوسائل مزبوره تحصیل شده است عامداً استعمال کند بزندان تأدیبی از سه ماه تا یکسال و کیفر نقدی از دوست ریال تا دو هزار ریال و یا بیکی از این دو کیفر محکوم میشود مگر اینکه بزه او مشمول قوانینی گردد که کیفر سخت تری معین کرده باشد (ماده ۱۵ قانون ورود و اقامت اتباع بیگانه در ایران) عبدالله خلیل ناجی

قانون انحصار وراثت میگوید هر گواهی که در موضوع تحصیل گواهی (تصدیق) وراثت بر خلاف حقیقت گواهی دهد برای گواهی دروغ تعقیب و بکیفری که برای این بزه مقرر است محکوم خواهد شد.

نتایج گواهی دروغ و نوع و میزان کیفر گواه دروغگو در امور مختلفه بر حسب فصل ششم از باب سوم قانون کیفر همگانی پیش بینی شده و اثرات آن در هر یک از امور چهارگانه زیر متفاوت است:

- ۱- در امور جنائی
- ۲- در امور جنحه
- ۳- در امور خلافی
- ۴- در امور حقوقی
- ۵- در کارهای اداری.

۱- در کارهای جنائی

هر کس در کارهای جنائی گواهی دروغ بدهد که در حکم دادگاه مؤثر واقع شود اعم از اینکه کتبی باشد یا زبانی محکوم بیک الی سه سال زندانی تأدیبی خواهد شد. اگر گواهی دروغ در حکم دادگاه مؤثر واقع نشده باشد کیفر مرتکب زندانی تأدیبی از یک ماه تا یک سال است. هرگاه بواسطه گواهی دروغ شخص متهم بکیفری بیشتر از کیفر مزبور محکوم گردد گواه دروغگو بحد اقل همان کیفر محکوم خواهد شد.

۲- در کارهای جنحه

کسیکه در کارهای جنحه گواهی دروغ بدهد که در حکم دادگاه مؤثر گردد اعم از این که کتبی باشد یا زبانی از هشت روز تا یکسال بزندان تأدیبی محکوم خواهد شد و اگر مؤثر واقع نشود بزندان تأدیبی از هشت روز تا دو ماه محکوم میشود.

در مورد نامبرده بالا اگر شخص گواه در ازاء گواهی دروغ پول یا مالی گرفته یا استفاده دیگری کرده باشد علاوه بر کیفر مذکور در بند یک در مورد جنایت و کیفر مذکور در بند (۲) در مورد جنحه پرداخت دو برابر آنچه که گرفته است محکوم خواهد شد.